آیه ای از کوثر(تولد امام حسن مجتبی علیه السلام)

30

**امشب حسن بن علی علیهماالسلام می آید**

امشب افطاریِ خانه علی علیه السلام حال دیگری دارد. خانه حبیب خدا که منزلگه ملائک است، امشب قدمگاه نوری است که با نزول آسمانی خود، عاشقی را دوباره زنده می کند و در هستیِ زمان روح تازه ای می دمد. امشب ترنم عشق بر همه عالم جاری است و اطلسی های بهشتی، سر در آغوش یکدیگر بستری گسترده اند برای سپیده صبحی که در آسمان حجاز تا لحظاتی دیگر خواهد دمید. امشب حسن بن علی علیهماالسلام می آید و آسمان مدینه از بهر قدوم مبارکش، مهتاب باران است و دل هایِ بی قرارِ مشتاقانش، بی تاب آمدن اویند. امشب نگاهی نوازشگرِ بال هال ملائک است که گستره اش، پذیرای شور و شوق همه عاشقان علوی است؛ نگاهی که پژواک فریاد عاشقی اش، تا آن سوی پرچین دل ها خواهد رسید؛ نگاهی که سنگستان شهر تنهایی را آب می کند و آتشفشان عشق را در دل های تشنه جامش فعال می سازد. مقدمش خجسته و مبارک باد!

**مدینه میزبان حسن علیه السلام**

آسمان پرستاره مدینه، در این نیمه رمضان، درخشش دیگری دارد. عرشْ شکوفه باران است و فضا آکنده از عطر حضو رملائک که زانوی ادب بر زمین نهاده اند. امشب رحمت الهی تابیدن می گیرد ونخستین غنچه باغ زندگی علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام شکوفا می شود. در بوستان محمدی، گلی دیگر شکفته می شود؛ گلی که گل های جهان با عطرش مست می شوند. او که آبشار نوازش نگاهش، دیدگان الهی فاطمه علیهاالسلام را سیراب خواهد کرد و او را به کهکشان های رنگین عاشقی خواهد برد. امشب زمین مدینه میزبان حسن علیه السلام است که با آمدنش، افق های ناآشنای هستی را پدیدار می سازد و لوح آسمانی صلح را با خود می آورد؛ صلحی که پایه حادثه عاشورا خواهد بود.

**سلام بر گل زیبای مجتبوی**

سلام بر گل زیبای مجتبوی در بوستان حُسن نبوی، سبط اکبر، الگوی کمال و آینه جمال که میلادش در نیمه رمضان، رویش گلی در بوستان خدا بود. سلام بر مجتبای آل محمد صلی الله علیه و آله ، فرزند برومند علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام که گوهر دریای فضیلت بود. سلام بر آن آینه حُسن ازلی که تولد فرخنده اش در آستانه شب های قدر، برکتی صد چندان بر سفره افطار و سحر روزه داران است. در خنده های صبح دم نیمه ماه مبارک، میلادی نهفته بود که دامن دامن زیبایی و حُسن به بشر ارزانی داشت و همه ما را بر سفره احسانش مهمان کرامت خویش ساخت، تا از مائده معنوی خدایی بهره مند شویم. سلام بر او که کرامت وجود؛ آینه دار فضیلت های اوست. دل های شیعیان، با نسیم روح نواز نام زیبایش صفا می گیرد و یاد او، همچون عطر بهشتی مشام جان ها را می نوازد. فاطمه علیهاالسلام دریایی پیوسته با رسالت بود و علی علیه السلام مسندنشین امامت: وقتی این دو دریا به هم پیوست، غوّاص آفرینش از تلاقی این دو دریا، گوهر حُسن به چنگ آورد و لؤلؤ سبز این دو دریا، حسن بن علی علیهماالسلام بود.

**طلوع مهر**

در گلستان ولایت، گلی شکفت که باعطر حضور خود، فضای مدینه را عطر آلود نمود و شادی و عشق را مهمان قلب های پاک علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام نمود. نواده عزیز پیامبر صلی الله علیه و آله ، نخستین فرزند علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام ، امام حسن مجتبی علیه السلام ، در نیمه رمضان سال سوم هجری در مدینه منوّره دیده به جهان گشود. این مولود، شش سال از لبخندها و نوازش های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و آغوش معطّر او بهره مند شد و عطر بهشت در سایه نامش قرار و آرام یافت. او عصاره هستی، میوه باغ کمال و گل دامان زهرای اطهر علیهاالسلام بود. در سرزمین وحی بار دیگر درهای رحمت الهی گشوده شد و یکی دیگر از بزرگ ترین آیات الهی به جهانیان عرضه گردید و ستاره درخشانی از آسمان ولایت ظهور کرد که حلم و بردباری و صلح را معنایی تازه بخشید. امام حسن مجتبی علیه السلام دومین امام شیعیان است که در دانشگاه اسلام، نیروی حلم و بخشش او، بیش از دیگران ظهور و بروز داشت.

**نام، لقب، کنیه**

نام شریف و مبارک امام دوم شیعیان، حسن است و این نام، هدیه ای است که جبرئیل از سوی خداوند تبارک و تعالی برای رسولخدا صلی الله علیه و آله آورد. این نام در دنیا نبوده، بلکه از نام های اهل بهشت است.پس از نام گذاری مولودِ وحی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گوسفندی را قربانی نمود و سپس موی سر آن نورسیده را تراشید و به اندازه وزن آن، نقره صدقه داد و با دستان مبارک خود، نوع عطر مخلوط، به نام «خَلوق» بر سر آن کودک شایسته مالید. کارهایی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مراسم تولد امام حسن علیه السلام انجام داد، بعدها سنتی شد که مسلمانان به آن تأسی نمودند. تنها کنیه امام مجتبی علیه السلام ، ابومحمد است، ولی در القاب حضرت تعابیر مختلفی ذکر شده است. مشهورترین لقب های حضرت عبارت است از تقی، زکی، سید، سبط، و ولی.

**شکوفه های سبز**

یکی از ابعاد و زوایای قابل تأمل در زندگانی اشخاص، به ویژه شخصیت های بزرگ جهانی، بررسی تعداد فرزندان و کیفیت برخورد با آنهاست. در خصوص فرزندان امام حسن علیه السلام چندان اختلافی نیست. یعقوبی تاریخ نویس و نویسنده کتاب تاریخ یعقوبی معتقد است امام دارای پانزده فرزند بوده است که هشت نفر از آنها پسر و هفت نفر دختر بوده اند. شیخ مفید نیز در کتاب ارشاد، تعداد فرزندان امام حسن علیه السلام را پانزده نفر دانسته است و با توجه به اعتبار و دقت علمی شیخ مفید و مطابقت نظریه او با اقوال بسیاری از تاریخ نگاران، می توان این نظریه را مورد پسندتر دانست. تعدادی از فرزندان امام حسن علیه السلام توفیق حضور و شرکت در ماجرای خونین کربلا را پیدا کرده و اغلب هم شهید شده اند. برخی دیگر از فرزندان آن حضرت که چنین توفیقی پیدا نکردند، در میان مردم از چنان حُسن معاشرتی برخوردار بودند که تاریخ، همواره نام و یاد نیک آنها را یادآور شده است. براساس بیان تاریخ نگاران، فقط حسن و زید از فرزندان امام صاحب نسل بوده اند.

**یاران امام حسن علیه السلام**

یاران امام حسن علیه السلام از نظر عدد بسیار کم هستند، ولی بسیاری از آنها، از شخصیت های برجسته عالم اسلام به شمار می آیند. برخی از آنها پیامبر صلی الله علیه و آله و پنج امام را درک کرده اند، همانند جابربن عبداللّه انصاری؛و برخی دیگر افزون بر اینکه از یاران امام حسن علیه السلام هستند، جزو یاران امام علی علیه السلام نیز بوده اند، همانند جُعَید همدانی، رشید هجری، رَفَاعة بن شَداد، میثم تمار، و کمیل بن زیاد؛ گروهی دیگر جزو یاران امام حسین علیه السلام نیز هستند، همانند تسلیم بن قیس، حبیب بن مظاهر، و مسلم بن عقیل؛ دسته دیگر آنها حزو یران امام سجاد علیه السلام نیز هستند، همانند ظالم بن عمرو؛ و گروهی نیز جزو یاران امام باقر علیه السلام شمرده شده اند، همانند جابربن عبداللّه انصاری که در سال 78ق به دیدار خدا شتافت. عده ای از یاران امام حسن علیه السلام جزو شهیدان کربلا هستند و برخی همچون حُجربن عَدی، در راه ولایت و دفاع از اهل بیت علیهم السلام به شهادت رسیده اند.

**سیرت نیکو**

روش، منش، رفتار و کردار امام حسن علیه السلام نمونه روزگار بود. در یک جمع بندی کلی، می توان چنین نتیجه گرفت که تاریخ نویسان، مهم ترین برجستگی های اخلاقی آن حضرت را «بخشنده ترین، بزرگ منش ترین، با سخاوت ترین، حلیم ترین، زاهدترین، راستگوترین، پارساترین، عابدترین، گرامی ترین و پرگذشت ترین شخص در میان مردم» ثبت و ضبط کرده اند. شیخ صدوق در کتاب امالی، از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرانش نقل میکند: «امام حسن علیه السلام در میان مردم زمان خود عابدترین، پارساترین و گرامی ترینِ افراد بود. چون قصد حج می کرد، پیاده می رفت و گاهی پای خود را برهنه می نمود. هیچ گاه دست به کاری نمی زد، مگر اینکه خدارا یاد می کرد. راستگوترینِ مردم بود و رساترین بیان را داشت. هرگاه به در ورودی مسجد می رسید، سر خود را بلند کرده عرض می نمود. بارالها، بنده تباهکارت به درگاهت شتافته، پس ای کریم، از زشتی هایی که مرتکب شده، به خاطر زیبایی هایی که نزد توست در گذر».

**فضیلت های خجسته**

امام حسن علیه السلام دارای فضیلت های فراوانی است که خلاصه آن را می توان در تبار پاک، آیات آسمانی و روایات نبوی بیان کرد. از مهم ترین فضیلت های آن امام وارسته این است که پدرش علی مرتضی علیه السلام ، دومین شخصیت برجسته جهان اسلام و مادرش فاطمه زهرا علیهاالسلام نخسین بانوی نمونه اسلام و نیای ارجمندش، آخرین پیام آور خدای یکتاست و جدّه فداکارش، اولین بانوی مسلمان، حضرت خدیجه علیهاالسلام است. امام حسن علیه السلام میوه شاخسار آن درختی است که ریشه اش استوار، و ساقه ها، شاخه و برگ هایش، بهترین ساقه ها، شاخه ها و برگ ها هستند. از برجسته ترین فضیلت های امام حسن علیه السلام این است که جزو اصحاب کسا و آل عبا و از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قلمداد شد؛ اهل بیتی که آیات فراوانی در شأن ایشان نازل شده است. با توجه به اصالت خانوادگی و تربیت علوی و فاطمی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، امام حسن و برادر بزرگوارش امام حسین علیهماالسلام را چنین می ستاید که: «آن دو، سرور جوانان اهل بهشت اند».

**علم و دانش امام حسن علیه السلام**

امام حسن علیه السلام از لحاظ علم و دانش، چهره ای درخشان و ممتاز بود و چون دریایی موّاج، بحر علم و دانشش موج می زد. روشن است کسی که در مهد نبوت و آغوش ولایت و دامان عصمت و خاندان طهارت رشد و نمو کرده و تربیت شده و در مکتب وحی آموزش و پرورش یافته باشد، باید چنین باشد که چون دریای موّاج، بحر دانش او موج بزند. آن بزرگوار بازویی علمی، قضایی و نیرویی بسیار کارآمد برای حکومت علوی و شخص امیرمؤمنان بود. بسیار اتفاق می افتاد که پرسش های بسیار مشکلی را حتی از خارج کشور اسلامی، دانشمندان غیر مسلمان از امام علی علیه السلام می نمودند و حضرت به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرمود، پاسخ آنها را بدهد و بسیاری از اوقات برای اینکه جایگاه علمی فرزندش را به دیگران نشان دهد، خود پرسش های گوناگونی در مسایل مختلف از امام حسن علیه السلام می نمود و آن بزرگوار آن مسایل را پاسخ می داد و مشکلات علمی را حل می کرد.

**زهد و عبادت امام حسن علیه السلام**

درباره زهد، تقوا، عبادت، خضوع و خشیت امام حسن علیه السلام می توان گفت همچون پدر بزرگوارش پرهیزکار و با تقوا بود. آن بزرگوار توجه و علاقه ای خاص به عبادت خدای تعالی داشت و در آن هنگام، از نظر توجه به حق تعالی، چنان حالت روحانی پیدا می کرد که آثار آن، در چهره و صورت آن حضرت به هنگام عبادت آشکار می شد. چون وضو می گرفت، رنگ می باخت و می لرزید و رنگ مبارکش زرد می شد. می پرسیدند: چرا چنین شدی؟، می فرمود: «سزاوار است بر کسی که می خواهد نزد پروردگارش به بندگی بایستد، رنگش زرد شود و بدنش بلرزد». تقرب به خدا و دل بستن به پروردگار، در وجود آن حضرت به گونه ای بود که دل ها را می لرزاند و آدمی در برابر آن همه خلوص، خود را خاشع می یافت. آن حضرت شاخه درخت ولایت بود و مانند پدر، در عبادت هایی چون جهاد بدنی و مالی و عبادی و نماز و روزه و تلاوت قرآن و حج نمونه روزگار بود. امامِ صابر و عابد و کریمی بود که عاشقانه به عبادت می ایستاد و لب هایش، همواره به ذکر محبوب مترنّم بود.

**کریم اهل بیت**

در زبان و فرهنگ اسلامی، کریم، یعنی جوانمرد و با مروّت، بخشاینده، بلند همت و بزرگوار و در یک کلمه، جامع همه ارزش ها، و این همه در امام حسن علیه السلام گرد آمده بود. در واقع، دوست و دشمن به آن حضرت کریم می گفتند و در میان شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام به «کریم اهل بیت» شهره شد. امام حسن علیه السلام کریم بود و به انسان ها به دیده کرامت و بزرگی می نگریست؛ چرا که ایشان، انسان را موجودی کرامتمند می دانست و تلاش می کرد کرامت، بزرگ و عزّت نفس را در آنها تقویت کند و این رقیب فرعون منشِ او، معاویه بود که با مؤمنان از سر حقارت برخورد می کرد و آنها را کوچک و حقیر می شمرد. امام حسن علیه السلام مردم را بزرگ می شمرد و سعی می کرد بر آگاهی و دانش آنها بیفزاید و آنان را به کرامت نفس و گوهر نفیس انسانیت خود توجه دهد. آن گونه که مهمانان ماه خدا از سفره رحمت الهی برخوردار می شوند، شیعیان نیز در مهمانخانه همیشه گسترده آن پیشوای سخاوت، از معنویت و پارسایی و بزرگواری او بهره می بردند.

**فریادرسی محرومان**

امام حسن علیه السلام در دستگیری بیچارگان و درماندگان و تأمین احتیاجات محرومان، بسیار می کوشید، به طوری که روش آن حضرت در این جهت، زبانزد عام و خاص بود و وجود آن امام بزرگوار، آرام بخش دل های دردمندان و پناهگاه مستمندان و بینوایان به شمار می آمد. هیچ فقیری از در خانه او دست خالی برنمی گشت. هیچ آزرده دلی شرح پریشانی خود را نزد آن حضرت بازگو نمی کرد، جز آن که مرهمی بر دل آزرده او می نهاد. از تمام امکانات خود برای رفع نیاز حاجتمندان استفاده می کرد. گاهی که کمک مستقیم بر ای آن حضرت مقدور نبود،به طور غیرمستقیم در رفع نیازمندی های آنان تلاش می کرد و گره از مشکلات گرفتاران می گشود. روزی مردی فقیر از آن بزرگوار درخواست کمک کرد و آن حضرت چیزی در دست نداشت و چون نمی خواست آن فرد را ناامید برگرداند، او را به سوی بارگاه خلیفه راهنمایی کرد تا خلیفه را در سوگ دخترش تسلیت بدهد و بدین وسیله، صله ای دریافت دارد. آن حضرت همدرد محرومان، همراه ضعیفان، همنوای فرشتگان و هم آوای کرّوبیان بود.

**رفتار قرآنی**

امام حسن علیه السلام که خود از اهل بیت علیهم السلام است و در شمار پاکانِ از گناه قرار دارد، رفتاری بر گرفته از آموزه های قرآنی داشت. موعظه های امام حسن علیه السلام هم، رنگ و بوی قرآنی داشت. امام علیه السلام باآیات الهی زندگی می کرد و در هر موقعیتی، آیات مختلف قرآن کریم را تلاوت می فرمود؛ گاه در نماز جمعه، زمانی در برخوردهای شخصی، گاهی در اجتماعات و گاه در میدان جنگ. از شمار موعظه های قرآنی حضرت اینکه می فرمود: «ای فرزند آدم، از حرام های خدا بپرهیز تا عابد باشی و به آنچه خدا قسمت تو کرده راضی باش تا بی نیاز شوی و همسایگی همسایه خود را نیکودار تا مسلمان باشی. ای فرزند آدم، از روزی که زاده شدی، پیوسته در پی تباه خود بوده ای. اینک باقی مانده اش را برای آخرت خود دریاب که مؤمن توشه برمی دارد و کافر سرگرم بهره کنونی اش است». امام بعد از این انذار، آیه 134 سوره آل عمران را تلاوت می فرمود: «برای خود توشه بردارید که به راستی بهترین توشه، پرهیزکاری است».

**مناظرات عمیق و فصاحت امام حسن علیه السلام**

امام حسن علیه السلام در فصاحت و بلاغت، مانند پدر بزرگوارش جایگاه والایی داشت. روزی امیرمؤمنان به او فرمود: برفراز منبر برو تا قریش از قدرت کلام نیکوی تو آگاه شوند. سپس حضرت بالای منبر رفت و حمد و ثنای الهی و درود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به گونه ای فصیح و بلیغ به جای آورد و آن گاه فرمود: «ای مردم، من از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: من شهر علم هستم و علی درب آن است، چه کسی وارد شهر علم می شود، جز از در آن». خطبه ها و نامه های آن بزرگوار بامعاویه و دیگران، شاهد این حقیقت است. آن امام بزرگوار در فصاحت و بلاغت و نظم و نثر، بزرگ ترین شاگرد مکتب امیرمؤمنان علیه السلام بوده و بیش از بیست خطبه و چندین نامه و چند احتجاج و اشعاری که از آن حضرت باقی مانده، نمونه بارزی از قدرت فصاحت و بلاغت را در نظم و نثر امام نشان می دهد.

**ارشاد و مقام هدایتگری امام حسن علیه السلام**

امام حسن علیه السلام مانند سایر اولیای خداکه به اذن الهی به امر مهم ارشاد و هدایت مردم می پرداختند، همواره و همیشه به ارشاد و هدایت مردم می پرداخت. در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «شما امامان معصوم، کارتان ارشادمردم به راه خدا و هدایت آنان به راه صواب است». بر این اساس، امام حسن علیه السلام نیز همانند دیگر اولیا و اوصیای خدا، در تمام حالات و تدبیرهای گوناگون، مردم را به سوی خدا و راه صواب ارشاد و هدایت می کرد. روزی امام حسن و امام حسین علیهماالسلام پیرمردی را دیدند که وضو می گرفت، اما احکام و آداب وضو را نمی دانست. در نظر گرفتند او را ارشاد کنند و روش صحیح وضو گرفتن را به او یاد بدهند، البته طوری که خجالت هم نکشد. از این رو، به منازعه پرداختند و هر کدام به یکدیگر می گفتند: من ازتو بهتر وضو می گیرم. سپس از پیرمرد کمک خواستند. پیرمرد هنگامی که وضو گرفتن آنها را دید، گفت: هر دو نفر شما صحیح وضو می گیرید و این من هستم که اشتباه وضو می گیرم و اینک به دست شما یاد گرفتم». بدین وسیله،امام حسن علیه السلام و برادر بزرگوارش، آن پیرمرد را ارشاد کردند.

**امام حسن علیه السلام در نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله**

امام حسن مجتبی علیه السلام کودک بود که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله او را به عظمت و بزرگی یاد می کرد. به یقین، این رفتارهای محبت آمیز که هیچ گاه در زمان خاص یا در محدوده خاص ابراز نمی شد، نشان دهنده این بود که آن حضرت می خواست پرده از چهره مبارک امام حسن علیه السلام کنار زده و شخصیت والای او را بیش از پیش به مسلمانان معرفی کند. حُذَیْقه، از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گوید: روزی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله در نزدیکی کوه حرا گرد ایشان جمع شده بودند که امام حسن علیه السلام در خردسالی، با وقار خاصی به جمع آنان پیوست. پیامبر صلی الله علیه و آله بانگاه طولانی که بر او داست، همه را مخاطب قرار داده و فرمود: «آگاه باشید که همانا حسن بعد از من، راهنما و هدایت گر شما خواهد بود. او تحفه ای است از خداوند جهان برای من. از من خبر خواهد داد و مردم را با آثار باقی مانده از من آشنا خواهد کرد. سنت مرا زنده می کند و افعال و کردارش، نشان دهنده کارهای من است. رحمت و رضوان خدا بر کسی باد که حق او را بشناسد و به خاطر من، به او احترام نموده و نیکی کند».

**امام حسن علیه السلام در نگاه امیرمؤمنان علیه السلام**

امام حسن علیه السلام در نگاه علی علیه السلام شخصیتی بسیار بزرگ و ممتاز بود و از همان دوران کودکی که آیات الهی را برای مادرش فاطمه علیهاالسلام می خواند، این گوهر گران بها را شناخت و در طول سالیانی که در کنار یکدیگر بودند، همواره از فرزند خود تعریف، تمجید و تقدیر می کرد. حتی گاه در برخی از موارد، قضاوت یا پاسخ به پرسش های علمی رابه عهده امام حسن علیه السلام می گذاشت. روزی مردی شامی که خود را از پیروان امام علی علیه السلام معرفی می کرد، به حضور ایشان رسید. حضرت به معرفی او پرداخت و گفت: تو از پیروان ما نیستی، بلکه برای پادشاه کشور روم پرسش هایی پیش آمده و او پیک خود را نزد معاویه فرستاده، او که در جواب عاجز مانده تو را نزد ما فرستاده است. سپس برای پاسخ به پرسش هایش، فرزندان خود را به مرد شامی معرفی کرد و مرد شامی امام حسن علیه السلام را انتخاب کرد. امام قبل از آنکه مرد شامی لب به سخن بگشاید، پرسش های او را مطرح کرده و پاسخ گفتند. وقتی مرد شامی پاسخ هایش را شنید گفت: «گواهی می دهم تو فرزند رسول خدایی و همانا علی برای خلافت و جانشینی رسول خدا از معاویه سزاوارتر است».

**امام حسن علیه السلام در نگاه امام حسین علیه السلام**

باتوجه به سال شهادت امام حسن علیه السلام به یقین هیچ معصومی به اندازه امام حسین علیه السلام در کنار برادر خود نبوده است. این دو امام معصوم علیه السلام نزدیک به پنجاه سال کنار یکدیگر زندگی کردند. بدین جهت، امام حسین علیه السلام بیشتر از هر مسلمان دیگری، به شخصیت علمی برادرش پی برده بود؛ به ویژه در آن ده سال امامت و رهبری آن حضرت، با نگرش دیگری به امام حسن علیه السلام می نگریست. امام حسین علیه السلام برادر خود را شخصیتی بی مانند و عالم ترین فرد به تفسیر و آشنا به تمام علوم و مسایل حکومت و جهان اسلام می دانست ؛ چنان که این نظر را می توان از برخورد امام حسین علیه السلام با عایشه در تشییع جنازه برادرش به دست آورد. ابن شهر آشوب روایت می کند: «هنگامی که امام حسین علیه السلام در حضور امام حسن علیه السلام بود، به احترام آن حضرت در حل و فصل امور لب به سخن نمی گشود».

**چشمه سار محبت**

اظهار محبت های پیامبر صلی الله علیه و آله به حسنین علیهماالسلام و علاقه وافر آن حضرت به این دو امام، بسیار زیاد و روشن و مشخص است پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود: «محبوب ترین فرد از خاندانم، حسن و حسین هستند». از مجموع روایات در این زمینه که تعدادشان هم کم نیست، استفاده می شود که محبت امام حسن علیه السلام و برادر گرامی اش، در قلب شفاف و نورانی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله موج می زد. معمولاً رسول خدا صلی الله علیه و آله علاقه شدید و محبت فراوان خود را نسبت به آنان، در میان مردم اظهار می نمود. گرچه نحوه ابراز فرق داشت؛ گاه سخن شیوایی در مورد این دو بزرگوار بیان می فرمود و گاهی از منبر پایین می آمد و آنها را می بوسید و بعد از نوازش آن دو، بار دیگر بالای منبر قرار می گرفت. افزون بر این، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که در هنگام اظهار محبت به حسنین علیهماالسلام می فرمود: «شاهدان، این ابراز علاقه را به غایبان برسانند» و این نبود مگر آماده سازی از همان عموم مردم، به پذیرش امامت حسنین علیهماالسلام بعداز ولایت پدرشان امام علی علیه السلام .

**امام حسن علیه السلام و نقل حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله**

از شمار افرادی که نامش جزو راویان و محدثان از رسول خدا صلی الله علیه و آله در تاریخ ثبت گردیده، امام حسن علیه السلام است. امام که در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز هشت سال هم نداشت، با دریافت گفته های پیامبر صلی الله علیه و آله که گاه آیات وحی بود و زمانی روایات، آنها را از سینه پیامبر صلی الله علیه و آله به سینه خود منتقل می کرد و سپس به دیگران انتقال می داد. امام با شنیدن آیات وحی که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود می آمد، بی درنگ به منزل بازآمده و آنها را برای مادرش فاطمه زهرا علیهاالسلام می خواند. این مسئله باعث تعجب امام علی علیه السلام شده بود. بدین جهت، روزی امام علی علیه السلام زودتر به منزل آمده و ازدید فرزندش پنهان شد تا آیات جدید را از زبان فرزند نیز بشنود. امام حسن علیه السلام وارد خانه شد و همین که خواست آیات قرآن را برای مادرش بخواند، زبانش به لکنت افتاد و از خواندن سریع بازماند. بعد فرمود: «گویا شخصیت بزرگی در خانه است که با شنیدن سخنانم، مرا از سخن گفتن باز می دارد». در این هنگام، امیرمؤمنان از محل اختفا بیرون آمده و فرزندش را به آغوش گرفته و بوسید.

**خلافت حضرت امام حسن علیه السلام**

اواخر عمر امام علی علیه السلام سرشار از وصیت ها و رهنمودهایی است که آن حضرت برای برپاداشتن حق و حق گرایی بیان فرموده و البته در بیشتر موارد، روی سخن با فرزندانش می باشد؛ به ویژه امام حسن علیه السلام بیشتر مورد خطاب قرار می گرفت تا از این راه، بر جانشینی و امامت او تصریح و تأکید بیشتری صورت گیرد. پس از شهادت امامعلی علیه السلام مردمان کوفه به مانند مردم هراسانی که مصیبت بزرگی دیده اند، به مسجد هجوم آوردند. امام حسن علیه السلام در میان آن جمعیت عظیم برخاست و اولین سخنرانی خود را پس از شهادت پدر بزرگوارش بیان نمود. هنوز سخنان امام به پایان نرسیده بود که ابن عباس از جا بلند شد و مردم را برای بیعت با امام تشویق و تحریص نمود و بدین ترتیب، مردم با امام بیعت کردند. مردمی که در امتحان های پی در پی مردود شدند و نشان دادند که اهل دنیا و هم پیاله معاویه هستند، با امام حسن علیه السلام به عنوان خلیفه مسلمانان و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردند، اما پس از چندی، بیعت خود را شکستند و به سوی معاویه گرویدند.

**صلح برای پاسداری از کرامت مؤمنان**

صلح امام حسن علیه السلام با معاویه برای حراست از کرامت،عزّت و حرمت خون مؤمنان بود، نه تسلیم و سازش و زبون کردن آنان. به تعبیر رهبر معظم انقلاب «این صلح، پرشکوه ترین نرمش قهرمانانه تاریخ بود». و مایه برکت و صیانت جامعه علوی از نابودی. برخی از دوستان نادان، جاهلانه امام را به خوار نمودن مؤمنان متهم داشتند. امام به دلیل ترس از مرگ و زندگی دنیا تن به صلح نداد؛ چرا که او همانند علی علیه السلام مرد جنگ و رزم بود و درهولناک ترین نبردهای جمل، صفین و نهروان، دوش به دوش پدرش در معرکه فرو می رفت و می جنگید. صلح او به دلیل ترس از نابودی اسلام و جامعه علوی بود؛ زیرا سپاهیانش اندک بودند و سستی و نفاق، ناهمگونی و دو دستگی آنان را در معرض از هم پاشیدگی قرار داده بود و دشمنش معاویه، از هیج جنایت رویگردان نبود. در حقیقت ماجرای کربلای 61 هجری، قوی ترین تیر بود که امام حسن علیه السلام در کمان نهاده و به دست برادرش امام حسین علیه السلام سپرد تا دشمن را آماج آن بسازد.

**حقیقت مرگ**

از امام حسن علیه السلام سؤال شد که: مرگ که حقیقت آن هنوز شناخته نشده، چیست؟ پاسخ فرمود: «مرگ سرور و شادی است برای مؤمنان؛ زیرا از خانه ای پر از سختی و کدورت، به نعمت های ابدی نائل شده و نقل مکان می کنند، و بزرگترین اندوه و مصیبت برای کافران است؛ وقتی که از بهشت خیالی و دنیایی خودشان، آنان را به سوی آتشی می برند که تمامی و کهنگی و سردی ندارد». بر اساس اصول اعتقادی اسلامی، مرگْ مرحله جدیدی از حیاتاست و تمام انسان ها پس از مرگ، در جهان دیگری به زندگی و حیات دیگری باز می گردند. هنگام مرگ، روح انسان که تمام شخصیت اوست، بی کم و کاست از سوی فرشتگان الهی دریافت می شود و هیچ گونه فنا و نیستی بر شخصیت و روح انسان عارض نمی شود. آنچه متلاشی می شود، بدن است، اما روح از بین نمی رود و باقی می ماند و وارد عالم دیگری می شود.

**مکارم اخلاق و ارزش های انسانی**

امام حسن علیه السلام فرموده است: «مکارم اخلاق ده چیز است. راست گویی زبان، صداقت در خضوع، بخشش به سائل، خوش خلقی، پاداش دادن به کارها، پیوند با خویشاوندان، حمایت از همسایه، حق شناسی صاحب حق، مهمان نوازی و سرچشمه همه اینها، شرم و حیاست». در این حدیث شریف، امام حسن علیه السلام ده ویژگی از مکارم و ارزش های انسانی را بیان فرموده است. امامان بزرگوار ما، عمل کسی را پاک می دانند که راستگو باشد و خود هیچ گاه سائلی را از در خانه خود ناامید باز نمی گرداندند و به دیگران نیز توصیه می کردند که کسی را از خانه خودناامید برنگردانند. درباره صله رحم بسیار سفارش می فرمودند و پیوند با خویشانرا باعث آبادی دیار و زیاد شدن عمرها می دانستند. ایشان، شرم و حیا را جزء ایمان دانسته و جایگاه ایمان را بهشت، و عفت و پاکدامنی را درارتباط مستقیم با شرم و حیا می دانستند.

**در زلال کلام ور**

در عَجَبم از کسانی که در غذای جسم خود فکر می کنند، ولی در امور معنوی و غذای جان خود تعقل نمی کنند؛ شکم را از طعام مضرّ حفظ می کنند، ولی باک ندارند که افکار پلیدی در درون آنها وارد شود.

چگونه مؤمن، مؤمن خواهد بود، در حالی که از بهره و تقدیر الهی خود خشمگین است و منزلت خود را کوچک می شمارد، با اینکه فرمانروای او خداست! و من ضامنم برای کسی که در دل او جز رضا و خشنودی از تقدیرات الهی خطور نکند، اینکه خدا را بخواند و دعایش مستجاب شود.

از آثار نیک عقل مرد عاقل و جوانمرد آن است که در برآوردن حاجت ها و نیازهای برادران دینی خود اقدام می کند، اگرچه آنان نیازهای خود را به او اظهار نکنند.

اگر دیدی نفست تو را در آنچه دوست داری، اطاعت نمی کند، تو نیز آن را در آنچه خواسته اوست و تحمیلت کند،اطاعت مکن.

بدتر از معصیت، بد اخلاقی است.

خیری که همراهش شرّ و بدی نیست، شکر و سپاس برای نعمت و صبر در برابر بلا و مصیبت است.